

ما معتقدیم حوزه علمیه یک کارخانه است. کارخانه ای که مثل همه کارخانه ها از بخشهای مختلفی تشکیل شده. کارخانه ای که به فرموده مقام معظم رهبری دارای محصولاتی از قبیل انسان، کتاب، مطلب، فکر، مدرس، مبلغ، محقق، سیاستمدار و رهبر می باشد.

مواد اولیه این کارخانه سرچشمه در وحی دارد. آیات قرآن و روایات معصومین که با زحمت و رنج عالمان دین و راویان حدیث از صدر اسلام تا کنون در قالب کتب و تصانیف دینی به دست ما رسیده و باید در این کارخانه به محصولات قابل مصرف برای جامعه فعلی در تمام نقاط دنیا تبدیل شود. مانند نرم افزار، بازی های رایانه ای، فیلمنامه، کتاب های داستان و رمان، و یا هر وسیله دیگری که بتواند بر مردم این زمانه بیشترین تاثیر را بگذارد.

اما مهمترین بخش این کارخانه که مسئولیت آن به عهده ماست، بخش تولید است. تولید به وسیله دستگاه هایی که وظیفه دارند مواد اولیه موجود در کارخانه را به محصول تبدیل کند.

این دستگاه ها خود باید ابتدا آماده سازی شوند تا شرایط قرار گرفتن در چرخه تولید را به دست آورند. مراحل آماده سازی دستگاه ها در این کارخانه زمان بر بوده و نیاز به تلاش و همت فراوان دارد و گاهی ده تا پانزده سال به طول می انجامد. اگر دستگاهی نتواند این مرحله را پشت سر بگذارد قطعاً نمی تواند به چرخه تولید کمک کند. و علی رغم اینکه هزینه زیادی برای آماده سازی آن انجام شده، بلا استفاده بوده و ناچاراً باید کنار گذاشته شود. زیرا برای صاحبان آن کارخانه هیچ توجیهی ندارد که برای نگهداری و نوسازی دستگاهی که هیچ کارایی ندارد همچنان هزینه کنند.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، این همان سرنوشت ما در حوزه علمیه است. یعنی اگر نتوانیم وارد چرخه تولید محصول در حوزه بشویم و نتوانیم محصولی تولید کنیم که دردی از جامعه را دوا کند، مثل یک دستگاه بلا استفاده خواهیم بود که برای هیچ کارخانه دیگری نیز کاربرد و کارایی ندارد. زیرا تمام جوانی خود را صرف آماده شدن برای کاری کرده که نتوانسته از پس آن بربیاید و اکنون دیگر حوصله و فرصت یادگیری مهارت و توانمندی جدیدی را نیز ندارد.

از طرفی هرچه پیش می رود هزینه های زندگی اش بیشتر شده و نیاز بیشتری به راه حلی برای تامین معیشت خود و خانواده احساس می کند. در این شرایط چاره ای باقی نمی ماند جز اینکه علومی که در این سالها اندوخته را نادیده گرفته و به کاری پردازد که ارتباطی با آنچه عمر عزیزش را سالها در فراگیری آن صرف کرده، نداشته باشد.

درست مانند دستگاهی که باید تغییر کاربری داده و یا جسمش را ذوب کرده و در قالب دیگری بریزد تا بتواند بهانه ای برای ادامه حیات خود تامین کند. یعنی ناچار است برای تامین هزینه های زندگی به کارهایی دست بزند که نه با شان طلبگی اش مناسب است و نه به دلیل نداشتن مهارت می تواند در آن ها به موفقیت برسد.

آنچه در این شرایط از همه مهمتر به نظر می رسد لزوم هدف گذاری و مهارت آموزی برای تولید یکی از محصولات دینی مطابق با نیازهای جامعه است.

موفق و موید باشید.

**برای مشاهده سایر مقالات انگیزشی کلیک کنید.**